

کتاب دانیال — یکصد و هفتاد و هفتم

مهر لگائے جانے والے 144,000: دانی ایل کے رؤیا اور نبوی علامت نگاری سے بصیرتیں

Jeff Pippenger

2024-04-07

دانیال در باب دهم سه بار لمس شد؛ بار نخست و بار آخر به وسیله جبرئیل، و لمس میانی به وسیله مسیح بود. در همان لمس میانی بود که دانیال با تیزی بیشتری فساد خویش را احساس کرد، زیرا نشانه راه میانی حقیقت نمایانگر عصیان است. این میکائیل بود که بار دوم دانیال را لمس کرد، زیرا او در پایان بیست و یک روز فرود آمده بود.

در پایان سه روز و نیم نمادین، که در آن دو شاهد مکاشفه، فصل یازدهم، مرده در کوچه افتاده اند، صدایی آن دو شاهد را زنده می سازد. این صدای رئیس فرشته است که قیام می بخشد. نزول میکائیل در دانیال، فصل دهم، در روز بیست و دوم، با قیام دو شاهد در سال ۲۰۲۳ مطابقت دارد. در حالی که آن دو شاهد مرده در کوچه افتاده بودند، به حزقیال استخوان های پراکنده ایشان نشان داده شد و از او پرسیده شد که آیا می اندیشد آن استخوان های خشک مرده در وادی می توانند زنده شوند، و تمام پاسخ حزقیال این بود: «خداوند، تو می دانی.»

آنگاه به حزقیال گفته شد که بر استخوان ها نبوت کند، و او چنین کرد؛ و چون چنین کرد، آنها به هم پیوستند و شکل گرفتند، اما هنوز زنده نبودند. نبوت نخست حزقیال، گرد آوردن استخوان ها با یکدیگر بود، اما برای آنکه استخوان ها همچون لشکری زنده شوند، نبوتی دوم لازم بود. نبوت دوم حزقیال، نبوت وای سوم بود، چنان که در چهار بادی که استخوان ها را حیات بخشیدند، نمود یافته است. آدم نخست کامل آفریده شد، اما سپس گناه ورزید و مرگ را به تمامی نسل خود منتقل ساخت. رستخیز استخوان های مرده حزقیال، با آفرینش آدم در کمال او موازات دارد، زیرا آدم نخست سرشته شد، و سپس خداوند نفس حیات را در او دمید.

این بدان معنا نیست که آن دو شاهد، هنگامی که دوباره به حیات بازگردانده می شوند، بدن های جلال یافته دریافت می کنند، زیرا این امر تا زمان آمدن دوم رخ نمی دهد؛ بلکه رستخیز ایشان با رؤیای دانیال درباره رؤیای سببی «marah» موازی است، آنگاه که به همان صورتی که می نگرند، دگرگون می شوند. سطر بر سطر، فرایند مهر شدن با نهایت دقت به وسیله شهادت نبوی ترسیم شده است.

در فصل یازدهم مکاشفه، «پس از سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا» در آن دو شاهد «داخل شد»، و آنگاه «ایشان بر پاهای خود ایستادند؛ و خوفی عظیم بر کسانی که ایشان را می دیدند مستولی گردید»، و سپس «آوازی عظیم از آسمان» بود که «بدیشان می گفت: به اینجا برآیید. و ایشان در ابری به آسمان صعود کردند؛ و دشمنان ایشان ایشان را دیدند.»

نخست، روح در ایشان داخل شد؛ سپس بر پاهای خویش ایستادند، و چون ایستادند، ترس بر دشمنانشان فرود آمد؛ همانانی که پیش تر بر مرگ ایشان شادی کرده بودند. سپس آوازی ایشان را به بالا فرا می خواند، و دشمنانشان این واقعه را مشاهده می کنند. در مورد حزقیال، ایشان نخست در دره به عنوان پراکنده و مرده شناخته می شوند؛ سپس نبوتی اعلام می شود که آنان را گرد می آورد؛ آنگاه نبوت دوم سبب می گردد که همچون لشکری عظیم برپا ایستند. در مورد دانیال، او نخست آن رؤیای عظیم را می بیند که موجب جدایی دو طبقه می شود، و سپس سه بار لمس می گردد.

نخستین بار که او را لمس کردند، هیچ نیرویی نداشت، در خوابی عمیق بود، و رویش به سوی زمین بود. خواب نمایانگر مرگ است. با این حال، سخنان گفته شده را شنید.

از این در شگفت م باشید؛ زیرا ساعتی می آید که در آن، همه کسانی که در قبرها هستند، آواز او را خواهند شنید. یوحنا ۵:۲۸.

جبرئیل سپس دانیال را بر دست‌ها و زانوهایش درآورد، و آنگاه به او فرمان داد که برخیزد؛ و او نیز، هرچند لرزان بود، برخاست. سپس سخنان جبرئیل را شنید، اما لال و خاموش ماند. حزقیال نیز رؤیای مسیح را دیده بود، و آن نیز رشته‌ای مشابه از وقایع را پدید آورده بود.

او بر فراز فلکی که بالای سر ایشان بود، شباهت تختی بود، همچون منظر سنگ یاقوت؛ و بر آن شباهت تخت، شباهتی چون منظر انسانی بر فراز آن بود. و چیزی را چون رنگ کهریا دیدم، چون منظر آتشی که در درون آن گرداگرد می‌درخشید، از منظر کمر او به بالا، و از منظر کمر او به پایین، چیزی را چون منظر آتش دیدم، و گرداگرد آن درخشندگی بود. همچون منظر قوسی که در روز باران در ابر پدیدار می‌شود، چنین بود منظر آن درخشندگی گرداگرد. این بود منظر شباهت جلال خداوند. و چون آن را دیدم، بر روی خود افتادم، و آواز کسی را شنیدم که سخن می‌گفت. و او به من گفت: ای پسر انسان، بر پای‌های خود بایست، و من با تو سخن خواهم گفت. و هنگامی که با من سخن گفت، روح در من داخل شد، و مرا بر پای‌هایم برپا داشت، تا آن که سخن او را که با من سخن می‌گفت، شنیدم. حزقیال ۲۶:۱-۲۷:۲

رویا باعث شد که هم حزقیال و هم دانیال تا به خاک فروتن شوند، به گونه‌ای که بر زمین به رو درافتادند. در آن حالت، هر دو همچنان کلام خداوند را شنیدند، و هر دو به حالت ایستاده درآورده شدند تا سخنانی را که به ایشان گفته می‌شد بشنوند، و هنگامی که آن سخنان را شنیدند، «روح به اندرون ایشان داخل شد». پیوند با الهیت از طریق دریافت کلام خدا که به واسطه روح القدس منتقل می‌شود، تحقق می‌یابد. «کلام» آن چیزی است که الهیت را به درون انسانیت منتقل می‌کند. این حقیقت باید شناخته شود تا بتوان وخامت و اهمیت تاریخ نبوی‌ای را که جبرائیل در باب یازدهم به دانیال ارائه می‌کند، درک نمود. تاریخ نبوی ارائه شده در باب یازدهم، مجرای است که از طریق آن روغن مقدس به باکره‌های دانا منتقل می‌شود.

در مورد حزقیال، بی‌درنگ به او تعلیم داده می‌شود که پیامی را به ادونتیسیم لائودیکیه عرضه کند؛ با این حال، از همان آغاز به حزقیال اعلام می‌شود که ادونتیسیم لائودیکیه سخنان او را نخواهد شنید، زیرا آنان خانه‌ای یاغی هستند. تجربه حزقیال همان تجربه اشعیا در باب ششم است؛ از این رو، بر پایه شهادت دو شاهد، هنگامی که خدا دانیال را از خواب، که نمادی از مرگ است، بیدار می‌سازد، به دانیال پیامی برای خانه یاغی ادونتیسیم لائودیکیه داده می‌شود، اما آنان نخواهند شنید.

آنگاه دانیال برای بار دوم لمس می‌شود، به دست خود مسیح، که لب‌های دانیال را لمس می‌کند، همان گونه که لب‌های اشعیا را یا اخگری از مذبح لمس کرده بود. سپس دانیال توانست سخن بگوید، اما هنوز بی‌قوت بود و هنوز نفسی در او نبود. بنا بر حزقیال، نفس با پیام «چهار باد» می‌آید، که نبوت دوم حزقیال بود. نبوت حزقیال درباره چهار باد با سومین لمس دانیال هم‌راستا است، زیرا در آن هنگام است که نفس به استخوان‌ها درمی‌آید و ایشان همچون لشکری عظیم بر پا می‌ایستند. در سومین لمس دانیال است که او تقویت می‌شود.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، قوم آخرالزمانی خدا پراکنده شدند و به زمان تأخیر مثل وارد گشتند. تاریخ مهر شدن در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا شورش ۱۸۶۳ به تصویر کشیده شد. خط تاریخی‌ای که در آنجا به نمایش درآمده است، هم بر دوره ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه منطبق می‌شود، و هم بر تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه. این پدیده نبوتی بر این واقعیت مبتنی است که نمادها بیش از یک معنا دارند،

و معنا باید از بافتاری که در آن به کار گرفته می‌شوند تعیین گردد.

وقتی آمدن و کار هر یک از آن سه فرشته را در نظر می‌گیریم، همه آنها تحت همان توالی رویدادها قرار دارند. آنان در همان نقطه‌ای وارد می‌شوند که پیشگویی مرتبط با ایشان مهرگشایی می‌شود. آن پیشگویی بر سه گام بنا شده است: آمدن آن، تمکین و اقتدار یافتن آن، و در بسته در پایان آن. در درون این تاریخ، نشانه‌های راه دیگری نیز وجود دارد، اما سه نشانه راه آزمون‌کننده درباره آمدن هر یک از آن سه فرشته چنین است: نخستین نشانه راه، جایی است که یک نبوت مهرگشایی می‌شود. پیامی که مهرگشایی شده است، از طریق یک تأیید اقتدار می‌یابد، و آن تأیید و اقتدار سپس مردان و زنان آن تاریخ را می‌آزماید. فرجام آن تاریخ محک آزمونی پدید می‌آورد که نشان می‌دهد آیا کسانی که در سومین آزمون ایستاده‌اند، حکیم‌اند یا جاهل.

در درون تاریخ ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبه، می‌توان سه فرشته را شناسایی کرد. فرشته نخست در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آمد، فرشته دوم در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ آمد، و فرشته سوم در قانون یکشنبه‌ای که به‌زودی خواهد آمد (آزمون محک) می‌آید. ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ با ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ منطبق است، و ۱۸۵۶ با ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ منطبق است، و ۱۸۶۳ با قانون یکشنبه منطبق است. با این حال، ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۶۳ نیز با ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه منطبق است، زیرا ۱۸ ژوئیه زمان ظهور فرشته دوم در تاریخ مهر شدن بود. تاریخ زیر همچنان به‌درستی صرفاً به‌عنوان نشانه‌های راه هر فرشته شناخته می‌شود.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، حقیقتی مهرگشایی شد که قرار بود آن نسل را ببازماید. گام دوم در آن تاریخ، هنگامی است که آن دو شاهد قیام می‌کنند. سپس ایشان آزموده می‌شوند که آیا نوری را که در آن هنگام آشکار می‌شود می‌پذیرند یا نه؛ امری که اکنون در جریان است. سپس در قانون یکشنبه (آزمون سنگ محک)، آشکار خواهد شد که چه کسی باکره داناست و چه کسی نیست. هنگامی که این تاریخ را صرفاً به‌مثابه ساختار یک فرشته یگانه در نظر می‌گیریم و سپس ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا شورش ۱۸۶۳ را بر تاریخ ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ تا قانون یکشنبه منطبق می‌سازیم، درمی‌یابیم که در سال ۱۸۴۹، خواهر وایت تصریح کرد که خداوند بار دیگر دست خویش را دراز کرده بود تا بازماندگان قوم خود را گرد آورد.

از ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تا ۱۸۴۹، قوم خدا پراکنده شده بودند. در سال ۱۸۵۰، آنان دومین دو لوح حقوق را تهیه کردند. در ژانویه ۱۸۵۱، در Review نمودار جدید را آگهی می‌کردند. قوم خدا پراکنده بودند، و فرشته سوم با نور فرا رسید. سپس خدا بار دیگر آغاز به گردآوردن ایشان کرد، و آنگاه همان‌گونه که در ۱۸۴۲ کرده بود، نموداری دیداری از پیامی را که می‌بایست اعلام کنند در اختیار آنان نهاد. نوری که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ فرا رسید، افزایشی در معرفت بود و تحت هدایت او به رشد و تکامل خود ادامه داد، و در ۱۸۵۶ سنگ سر آن نور معرفی شد. آن نور بر «هفت زمان» بود؛ همان نخستین نوری که ویلیام میلر آن را تشخیص داد، و که به‌عنوان یکی از نبوت‌هایی بازنمایی شد که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ به انجام رسید.

نور «هفت زمان»، در سال ۱۸۵۶، هم پایان افزایش دانشی بود که به میلر، پیام‌آور فرشته اول، داده شده بود، و هم نور پایانی فرشته سوم بود که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ عطا شده بود. رد کردن این نور در سال ۱۸۵۶، هم رد کردن افزایش دانشی بود که در ۱۷۹۸ گشوده شده بود، و نیز افزایش دانشی که در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ گشوده شده بود؛ و این از سوی کسانی رد شد که همان‌جا و در همان هنگام از تجربه فیلادلفیا به تجربه لائودیکه انتقال یافتند. شورش سال ۱۸۶۳، سومین آزمون، و محک تشخیص بود که به‌وسیله جدولی جعلی که نور «هفت زمان» را حذف می‌کرد، آشکار گردید.

نخستین ناامیدی ۱۹ آوریل ۱۸۴۴ به‌واسطه آن بر جنبش فیلادلفیایی فرشته اول آمد که خدا دست خویش را بر خطایی در برخی از ارقام نقشه پیشگام ۱۸۴۳ نگاه داشته بود. نخستین ناامیدی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ به‌واسطه آن بر جنبش لائودیکه‌ای فرشته سوم آمد که مردمان آن حقیقت را نادیده گرفتند که

در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، مسیح دست خویش را به سوی آسمان برافراشت و سوگند یاد کرد که دیگر زمانی نخواهد بود. در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، پیامی گشوده شد که می‌بایست این نسل از باکره‌ها را بیازماید. همان‌گونه که در ۱۸۵۰، خداوند در ۲۰۲۳ بار دیگر دست خویش را دراز کرد تا استخوان‌های مرده حزقیال را که از ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ در کوچه افتاده و مرده بودند، گرد آورد. تا ۱۸۵۱، نموداری بصری تازه از پیام پدید آمد که تحقق نبوتِ حبقوق باب دوم بود، و بدین‌سان آشکار می‌ساخت که پس از ۲۰۲۳، خداوند نشانه‌ای زنده و تازه برای برافراشتن خواهد داشت که به وسیله دو لوح حبقوق تمثیل یافته است.

د حبقوق دوو لوح د لسو حکمونو د دوو لوحو له خوا تمثیل شوې وې، او همدارنګه د پښتیکا ست د اختر په دوو خوځول کېدونکو ډوډیو کې. یو سل او څلوېښت زره د لومړۍ مېوې د نذر په توګه پېژندل شوي دي، او هماغوی دي چې په ملاکي کې د هغه نذر استازولي کوي چې داسې یاد شوی: «لکه د پخوا په ورځو کې، لکه د پخوانیو کلونو په شان.» هغوی د خوځول کېدونکي نذر په توګه پورته کېږي، څو ټوله نړۍ یې وويني.

بیداری یکصد و چهل و چهار هزار نفر پا گرد آمدن آغاز می‌شود، و آن گردآمدن به واسطه کلام خدا تحقق می‌یابد؛ زیرا استخوان‌های مرده حزقیال در حالی که هنوز مرده‌اند، با شنیدن کلام خدا گرد آورده می‌شوند. حزقیال نمایانگر ابرار انسانی‌ای است که پیامی را اعلام می‌کند که استخوان‌ها را گرد می‌آورد، آنگاه که خداوند بار دوم دست خویش را دراز می‌کند تا باقیمانده خود را جمع نماید. اشعیا، ارمیا، دانیال، یوحنا و حزقیال، همگی عنصر انسانی‌ای را مشخص می‌سازند که پیام الهی را به استخوان‌های خشک مرده منتقل می‌کند.

چون استخوان‌ها گرد آورده می‌شوند، خداوند فزونی دانشی را آشکار می‌سازد که درست پیش از بسته شدن مهلت آزمایش مهرگشایی می‌شود، و آن دانش به وسیله «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط است» نمود یافته است. در نبوت دوم حزقیال، نوری که مهرگشایی می‌شود، وای سوم است، یعنی پیام باد شرقی که در استخوان‌ها حیات می‌دمد و به گونه‌ای سببی موجب می‌شود که آنان همچون لشکری عظیم بر پای ایستند. نوری که بر دانیال مکشوف می‌گردد، همان نوری است که در فصل یازدهم به وسیله پادشاه شمال نمود یافته است. حزقیال و دانیال با هم «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط است» را نمایندگی می‌کنند، که همان اخبار باد (شرق) و پادشاه (شمال) است.

لیکن مشرق اور شمال سے خبریں آسے پریشان کریں گی؛ اس لیے وہ بڑے غضب کے ساتھ نکلے گا تاکہ ہلاک کرے اور بہتوں کو بالکل نیست و نابود کر دے۔ دانی ایل 11:44۔

در سال ۱۸۵۶، خداوند قصد داشت کارِ مَهر نهادن بر قوم خویش را به پایان رساند، اما آنان سرکشی کردند. پیامی که او در نظر داشت برای بیرون آوردن ایشان از وضعیتِ لائودیکه‌ای ایشان به کار گیرد، «هفت زمان» لاویان بیست‌وشش بود. هنگامی که خداوند در ژوئیه ۲۰۲۳ آغاز به گرد آوردن قوم خویش کرد، بار دیگر پیام «هفت زمان» را به ایشان عرضه نمود، و از جمله آشکار ساخت که در روز کفاره ضدنمونه‌ای، شیپورِ یوبیل باید نواخته شود، و همان زمانی نیز بود که شیپورِ هفتم نیز باید به صدا درآید. شیپورِ یوبیل نمادی از «هفت زمان» است، و شیپورِ هفتم همان وای سوم است. هنگامی که میکائیل در باب دهم دانیال فرود آمد، دانیال نماینده کسانی بود که تجربه آنان را که دعای لاویان بیست‌وشش را به‌جا می‌آورند، به دست می‌آورند، و نیز آنان را که در پی فهم راز نبوی باب دوم دانیال هستند.

دانیال نمایانگر کسانی است که به ندای خدا گرد آورده شده‌اند، و سپس بر پای‌های خود می‌ایستند، تقویت‌شده تا پیام مشرق و شمال را اعلام کنند. آنان آن پیام را تا هنگام نزدیک وضع قانون یکشنبه

اعلام می‌دارند. فرایند برانگیختن آن لشکر موضوعی بسیار دقیق در نبوت است، و نقطه‌ای که در آن الوهیت آغاز به پیوستن با انسانیت می‌کند، در تحقق مهر شدن یکصد و چهل و چهار هزار، در تاریخی آغاز شد که در آیه یازدهم دانیال یازده بازنمایی شده است. تاریخی که از آیه یک دانیال یازده تا آیه شانزده بازنمایی شده، تاریخ پنهان آیه چهل را تکمیل می‌کند، یعنی «آن بخش از نبوت دانیال که به ایام آخر مربوط است.»

چنان‌که بررسی آیات سیزدهم تا پانزدهم دانیال یازده را آغاز می‌کنیم، که نخستین بار در نبرد پانیوم در سال ۲۰۰ پیش از میلاد تحقق یافت، ضروری است که اهمیت این آیات را درک کنیم. پانیوم سومین سه جنگ نیابتی است. نبرد نخست با پیروزی پاپیت و ارتش نیابتی آن، ایالات متحده، در سال ۱۹۸۹ به پایان رسید. نبرد بعدی که در آیات یازدهم و دوازدهم بازنمایی شده و در نبرد رافیا تحقق یافت، در آن پادشاه جنوب (روسیه) پادشاه شمال و ارتش نیابتی او را در اوکراین شکست خواهد داد. نبرد سوم همچون نبرد نخست خواهد بود، با این تفاوت که پاپیت (پادشاه شمال) به واسطه ارتش نیابتی خود (ایالات متحده) بر کمونیسم (سازمان ملل متحد) غلبه خواهد یافت. اما سومین جنگ نیابتی، که همان نبرد پانیوم است، همچنین جنگ جهانی سوم را آغاز خواهد کرد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.

«چنان‌که پیچیدگی‌های چرخ‌مانند تحت هدایت آن دست زیر بال‌های کروی‌بان بود، همان‌گونه نیز جریان پیچیده رویدادهای انسانی تحت مهار الهی است. در میان کشمکش و غوغای ملت‌ها، او که بر فراز کروی‌بان نشسته است، همچنان امور زمین را هدایت می‌کند.»

«تاریخ ملت‌هایی که یکی پس از دیگری زمان و جایگاه مقرر خود را اشغال کرده‌اند و ناآگاهانه بر حقیقتی شهادت داده‌اند که خود معنای آن را نمی‌دانستند، با ما سخن می‌گوید. خدا برای هر ملت و برای هر فرد امروز، در نقشه عظیم خویش جایگاهی تعیین کرده است. امروز انسان‌ها و ملت‌ها به شاقول در دست او سنجیده می‌شوند؛ او که هرگز خطا نمی‌کند. همه، به انتخاب خود، سرنوشت خویش را رقم می‌زنند، و خدا بر همه چیز حاکم است تا مقاصد خود را به انجام رساند.»

«آن تاریخ که من عظیم «هستم» در کلام خود ترسیم کرده است، و در آن، حلقه‌ای پس از حلقه‌ای را در زنجیره نبوت، از ازلیت گذشته تا ازلیت آینده، به هم پیوسته است، به ما می‌گوید که امروز در سیر اعصار در کجا ایستاده‌ایم، و در زمان آینده چه چیزی را می‌توان انتظار داشت. هر آنچه نبوت، تا زمان حاضر، وقوع آن را پیشگویی کرده بود، بر صفحات تاریخ نقش بسته است؛ و ما می‌توانیم یقین داشته باشیم که هر آنچه هنوز در پیش است نیز به ترتیب خود تحقق خواهد یافت.»

«نابودی نهایی همه سلطه‌های زمینی به روشنی در کلام حق پیشگویی شده است. در نبوتی که هنگامی بیان شد که حکم خدا بر آخرین پادشاه اسرائیل اعلام گردید، این پیام داده شده است:

«خداوند بیهوده چنین می‌فرماید: عمامه را بردار و تاج را از سر برگیر؛ ... پست را سرافراز کن و بلند را خوار ساز. آن را واژگون خواهم کرد، واژگون، واژگون؛ و دیگر برقرار نخواهد ماند تا آن‌که آن کس بیاید که حق اوست؛ و آن را به او خواهم داد.» حزقیال ۲۶:۲۷

«تاجی که از اسرائیل برداشته شد، به‌توالی به پادشاهی‌های بابل، ماد و پارس، یونان و روم منتقل گردید. خدا می‌گوید: «دیگر نخواهد بود تا آن‌که او بیاید که حق از آن اوست؛ و آن را به وی خواهم داد.»»

«آن زمان نزدیک است. امروز، نشانه‌های ایام اعلام می‌دارند که ما بر آستانه رویدادهای عظیم و خطیر ایستاده‌ایم. همه‌چیز در جهان ما در تلاطم است. در برابر چشمان ما، پیشگویی نجات‌دهنده

درباره وقایعی که پیش از آمدن او رخ خواهد داد، در حال تحقق است: «از جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها خواهید شنید.... قومی بر قومی، و مملکتی بر مملکتی خواهد برخاست؛ و قحطی‌ها و وباها و زلزله‌ها در جاهای گوناگون پدید خواهد آمد.» متی ۲۴: ۷.

حال، زمانی است آینده از اهمیتی عظیم برای همه زندگان. فرمانروایان و دولتمردان، مردانی که در مناصب امانت و اقتدار قرار دارند، مردان و زنان اندیشمند از همه طبقات، توجه خویش را به حوادثی که در پیرامون ما رخ می‌دهد معطوف ساخته‌اند. آنان روابط پرتنش و ناآرامی را که میان ملت‌ها برقرار است زیر نظر دارند. شدت و حدتی را مشاهده می‌کنند که هر عنصر زمینی را فرا می‌گیرد، و درمی‌یابند که امری بزرگ و سرنوشت‌ساز در شرف وقوع است—این‌که جهان بر آستانه بحرانی عظیم ایستاده است.

«فرشتگان اکنون بادهای نزاع را مهار می‌کنند تا پیش از آنکه جهان از هلاکت قریب‌الوقوع خود هشدار یابد، نوزند؛ اما توفانی در حال فراهم آمدن است که آماده است بر زمین بترکد؛ و هنگامی که خدا به فرشتگان خود فرمان دهد که بادهای را رها سازند، چنان صحنه‌ای از کشمکش پدید خواهد آمد که هیچ قلمی توان تصویر آن را ندارد.»

«کتاب مقدس، و تنها کتاب مقدس، دیدگاهی درست از این امور به دست می‌دهد. در اینجا صحنه‌های عظیم و نهایی تاریخ جهان ما آشکار می‌گردد؛ رویدادهایی که هم‌اکنون نیز سایه‌های خود را پیشاپیش افکنده‌اند، و آوای نزدیک شدنشان زمین را به لرزه درمی‌آورد و دل‌های آدمیان را از ترس از حال می‌برد.»

«هُوشیارِ پَن، خُداوند زَوی را خالی می‌کند و ویران می‌کند، و او را زیر و زَبر می‌سازد، و ساکنان آن را پراکنده می‌گرداند.... ایشان از شریعت‌ها سرپیچی کرده‌اند، فریضه را تغییر داده‌اند، و عهدِ جاودانی را شکسته‌اند. از این‌رو لعنت، زوی را بلعیده است، و ساکنان آن ویران گشته‌اند.... شادی دَهل‌ها بازمی‌ایستد، غوغای شادمانان پایان می‌پذیرد، و سرورِ بریط خاموش می‌شود.» اشعیا ۲۴: ۱-۱۸.

«آه از آن روز! زیرا روز خداوند نزدیک است، و چون هلاکتی از جانب قادر مطلق خواهد آمد.... بذر زیر کلوخ‌های خود پوسیده است، انبارها ویران شده‌اند، خزینه‌ها فرو ریخته‌اند؛ زیرا غله خشک شده است. چارپایان چگونه ناله می‌کنند! رمه‌های گاو سرگردان و درمانده‌اند، زیرا چراگاهی ندارند؛ آری، گله‌های گوسفند نیز به ویرانی کشیده شده‌اند.» «مو خشک شده است، و درخت انجیر پژمرده؛ درخت انار، همچنین درخت خرما، و درخت سیب، بلکه همه درختان صحرا خشکیده‌اند؛ زیرا شادی از پسران آدم پژمرده و زایل شده است.» یوئیل ۱: ۱۵-۱۸، ۱۲.

«در دل خویش سخت به درد آمده‌ام؛ ... دیگر تاب خاموشی ندارم، زیرا تو، ای جان من، آواز کرنا و بانگ جنگ را شنیده‌ای. ویرانی بر ویرانی ندا می‌شود، زیرا تمامی سرزمین غارت شده است.»

«من زمین را نگریستم، و اینک بی‌شکل و تهی بود؛ و آسمان‌ها را، و نوری در آنها نبود. کوه‌ها را نگریستم، و اینک می‌لرزیدند، و همه تپه‌ها به جنبش آمده بودند. نگریستم، و اینک انسانی نبود، و همه پرندگان آسمان گریخته بودند. نگریستم، و اینک جای بارور بیابان شده بود، و همه شهرهای آن منهدم گردیده بود.» ارمیا ۴: ۱۹، ۲۰، ۲۳-۲۶.

«آه! زیرا آن روز عظیم است، و هیچ‌یک مانند آن نیست؛ و آن زمان تنگی یعقوب است؛ اما او از آن رهایی خواهد یافت.» ارمیا ۳۰: ۷. تربیت، ۱۷۸-۱۸۱.